

DC

UNIVERSE

2

RATED T+ TEEN PLUS
DCCOMICS.COM

6-ISSUE
MINI-
SERIES

PETERSON
JONES
MADSEN

بتمن سلطین وحشت

شاید اصلاً
گاتهام
رو نمی شناسی
بتمن؟!!

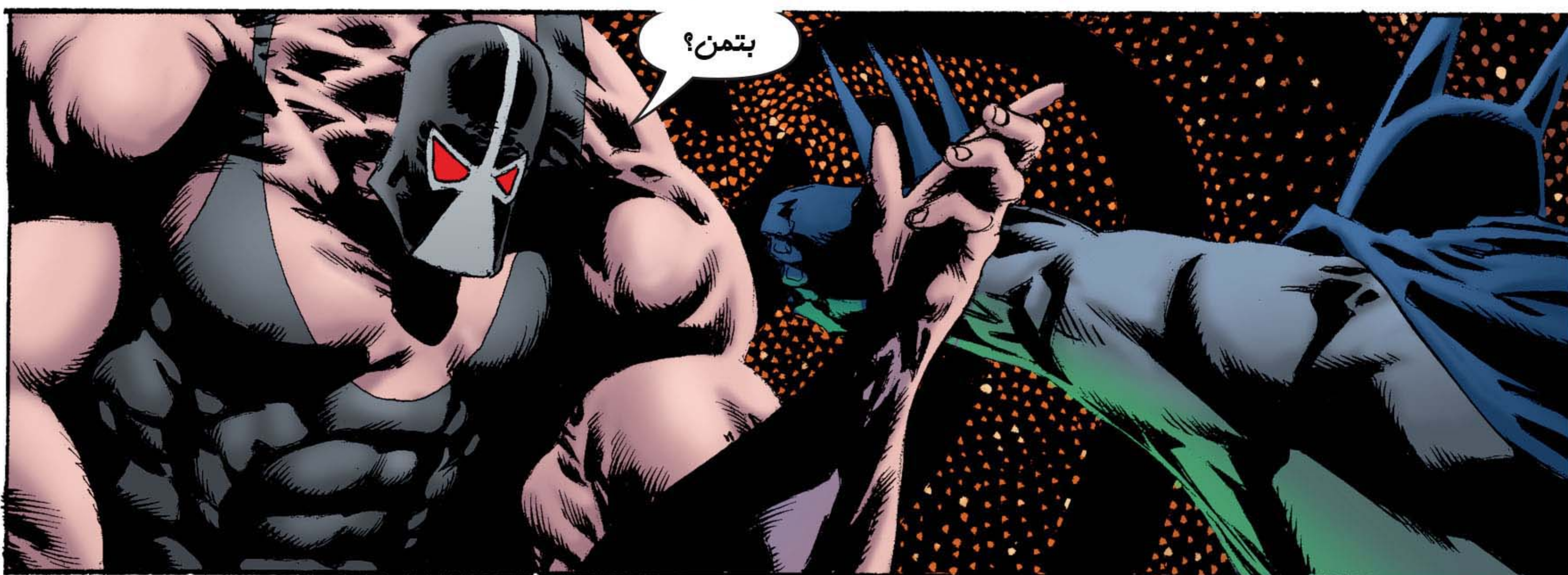
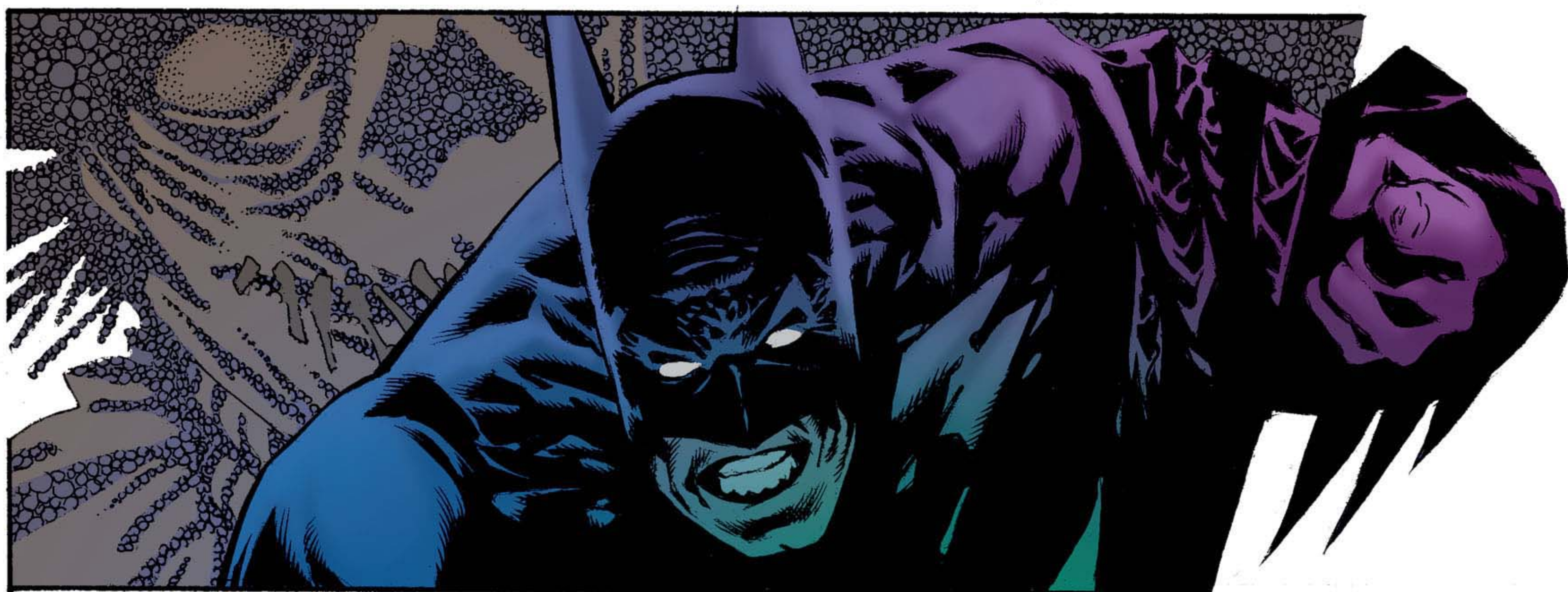


بیا باهم چند تا
ارتباط مفهومی ذهنی
رو مرور کنیم.

و ببینیم که
اولین چیزی که به
ذهنت می رسه
چییه؟

نه.









در مورد
گروگان مترسک
چی می دونیم؟

اسمش کنت
ریه. چند ماهیه که کارشو
اینجا شروع کرده. اخیراً از
اینجا رفته. سعی می کنم
آدرس فعلیشو پیدا
کنم.

هیچ سرنخی از اون
یا مترسک ندارم. مطمئن
نیستم که چطور تونسته
فرار کنه.

اوه،
ولی وضعیت نگهبان امشب...
برایان چی چی؟ با وجود
تلاش جوکر، حالش
خوبه.



بتمن...
گوش کن، مطمئنی
که...

بله.





آلفرد.

بله،
آقای
پروس؟



من آدرس
فعلی کنت
ری رو لازم
دارم.



من می خوام
حواسم به
رانندگی باشه.



خیلی
خوب
قربان.

می تونم ببینم
توی ماشین هستید.
می تونم پیرسم چرا
خودتون جستجو
نمی کنید؟



آهان.
وضعیت هوا تو چند
لحظه گذشته تغییر
جدی نداشته؟

نه.

گروهی از
زامبی ها دارن
نزدیک می شن؟

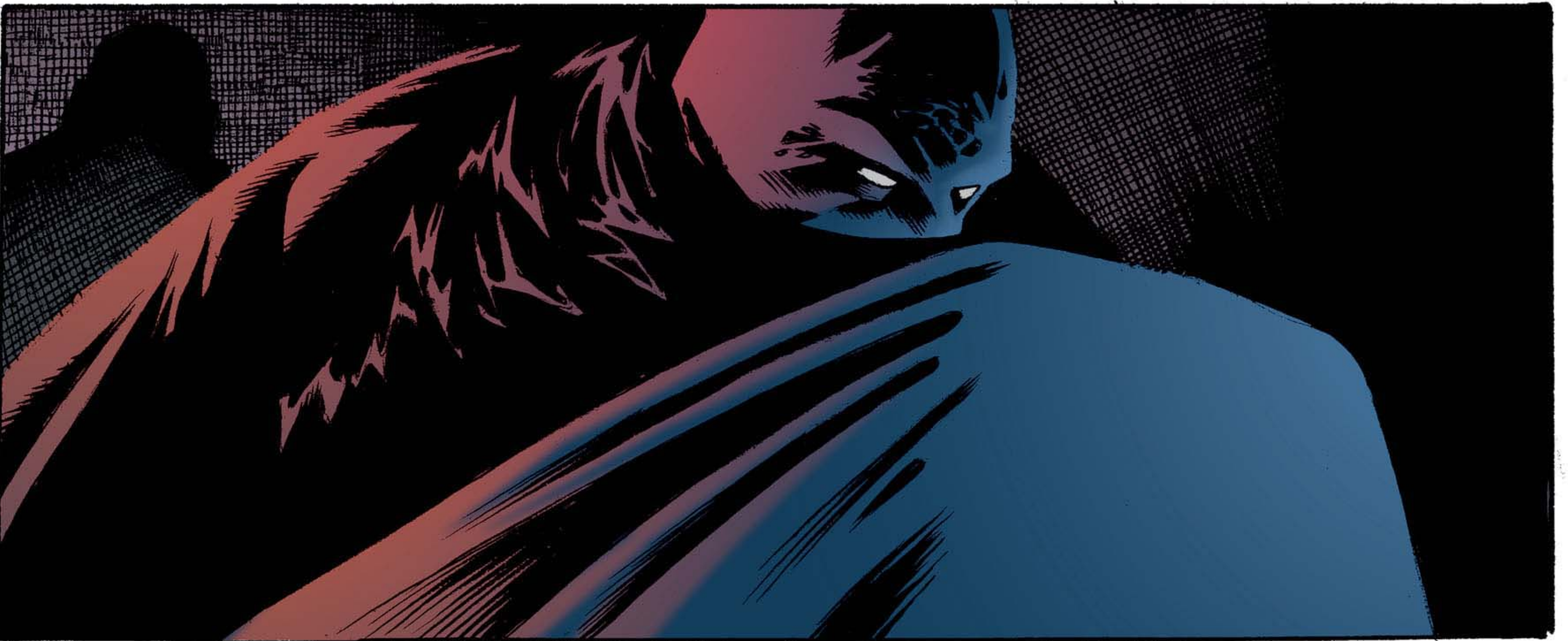
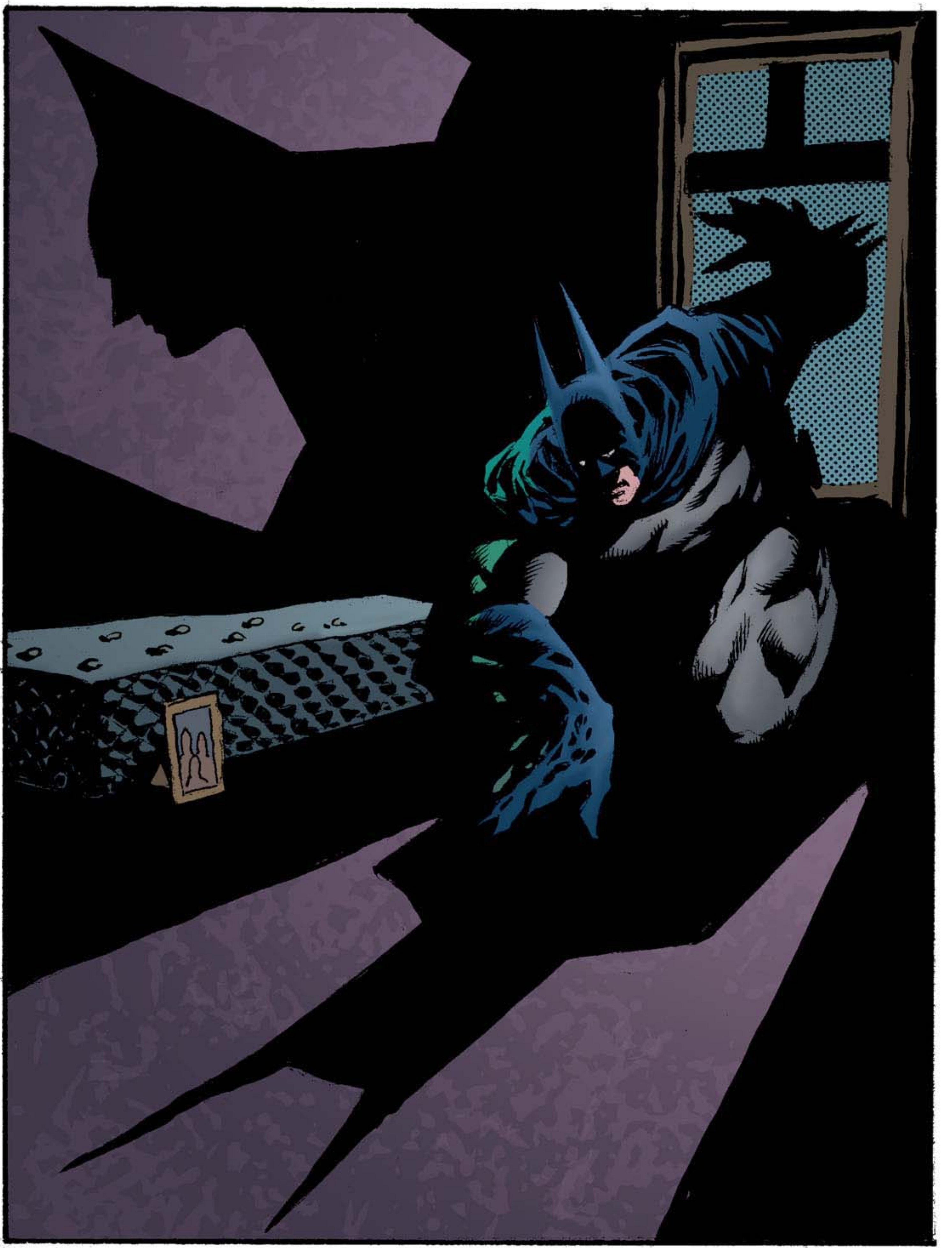
آدرس رو
پیدا کردی؟

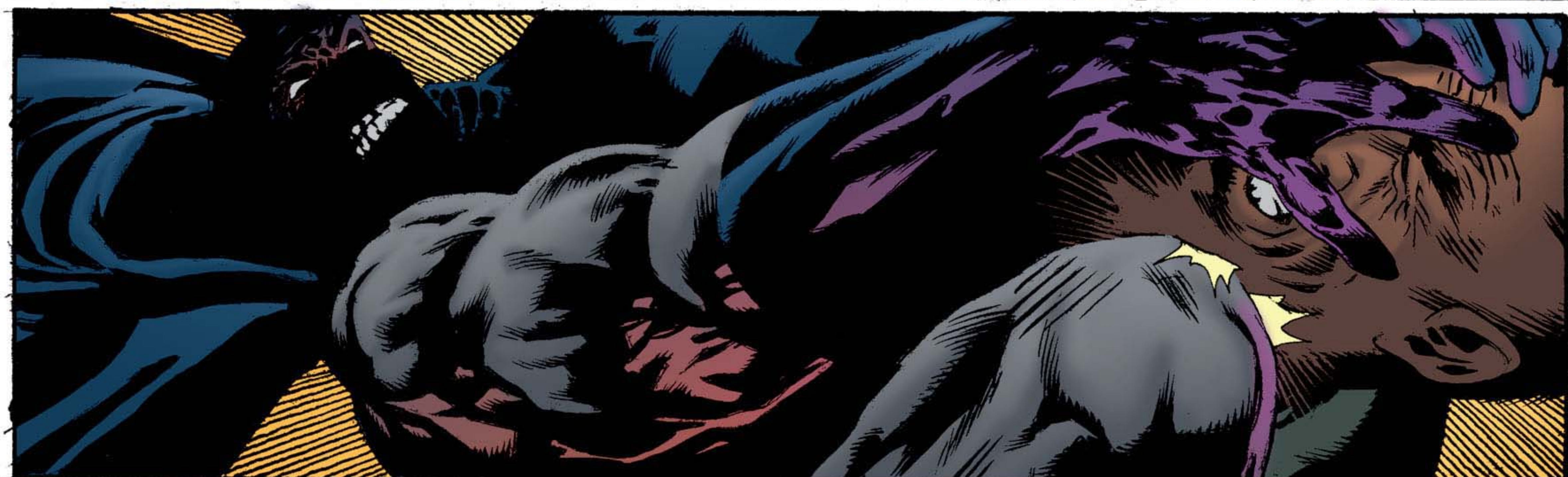
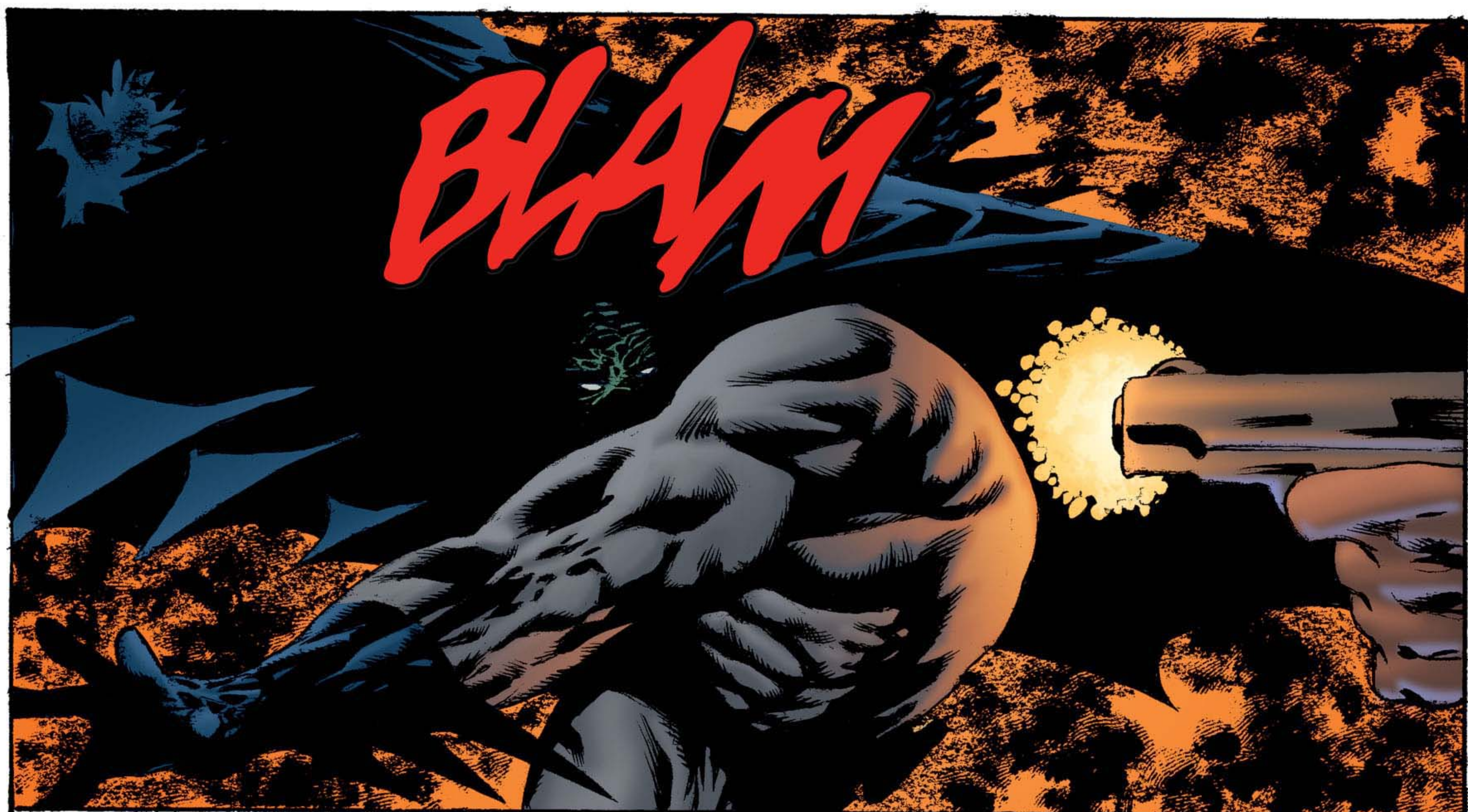
دارم
می فرستم.
امکانش هست
برنامه جی پی اس
ماشین رو براتون
تنظیم کنم؟

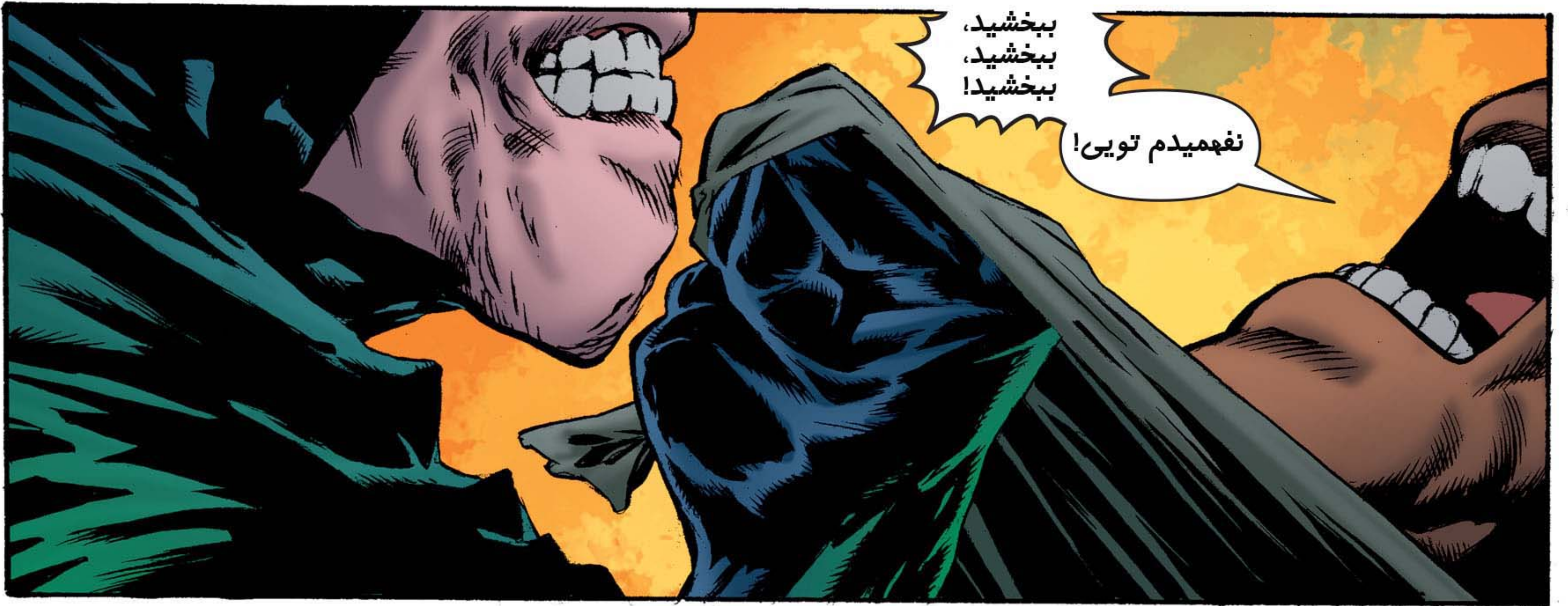
قطع ارتباط.











ببخشید،
ببخشید،
ببخشید!

نفهمیدم تویی!



همیشه
اول کاری
شلیک
می کنی؟

نه! منظورم این که...
هی تو مجبورم
کردی!

صدای کسی رو
شنیدم و دیدم بزرگه و سیاه
و نمی تونستم ببینم... یعنی، تو
این محله؟



می تونستی
ازم بخواهی تا
درو برات باز کنم.

تو همیشه
غریبه ها رو تو
آپارتمان هایی
که اجاره می کنی راه
می دی؟



همیشه؟ نه. ولی، یعنی،
می دونی که، تو که مثل همه
نیستی. احترام واجب.



به همین دلیل
سراغت نیومدم. ظاهر
من...

مردم رو به وحشت
میندازه؟ آره، می فهمم...
به من اعتماد کن.



در مورد کنت
ری چی می تونی
بهم بگی؟

یعنی، من
نظامی بودم... یهو
دچار شک می شدم.

مگه به همین
دلیل نیست که این
شکلی هستی؟ نکته
همینجاست، درسته؟



چیز زیادی نمی دونم.
کمتر از یه ماه پیش نقل
مکان کرد. قرارداد هفتگی
بود، دیروز باید کرایه
می داد. به همین خاطر
اومدم بالا.

ملاقاتی
نداشت؟

هیچکس،
صبح برای کار رفت بیرون
شب برگشت خونه. همین.
نمی دونم وقتی اینجا
بود چیکار می کرد،
ولی...



...سرو صدا
نکرد.



کمپسر.



برام
چی داری؟

هنوز هیچی.
آدرس قبلی قربانی
رو دارید؟



بله. ری
قبلاً تو محله تین
و پولی زندگی
می کرد.

اتفاقی
افتاده؟

نمی دونم.
یه چیزى...



...درست
نیست.



باشه آبوئلا...
این کارو می کنم.
باشه.
قول می دم.
باشه.

TE QUIERO
TAMBIÉN.

اوہ
چقدر خوب.



کارت
تموم شد؟

آره،
فقط...

خفه
شو.
...می دونی
آبوئلا من،
اون...



فکر می کنی آبوئلا
تو برام مهمه؟

آبوئلا تو برام
مهم نیست. فهمیدی؟
تا جایی که به ما مربوط می شه
این خانم مرده. خواهر
و برادر دیگه ای داری؟
دیگه نداری.

از این به
بعد ما تنها
ای
هستیم که تو
داری.



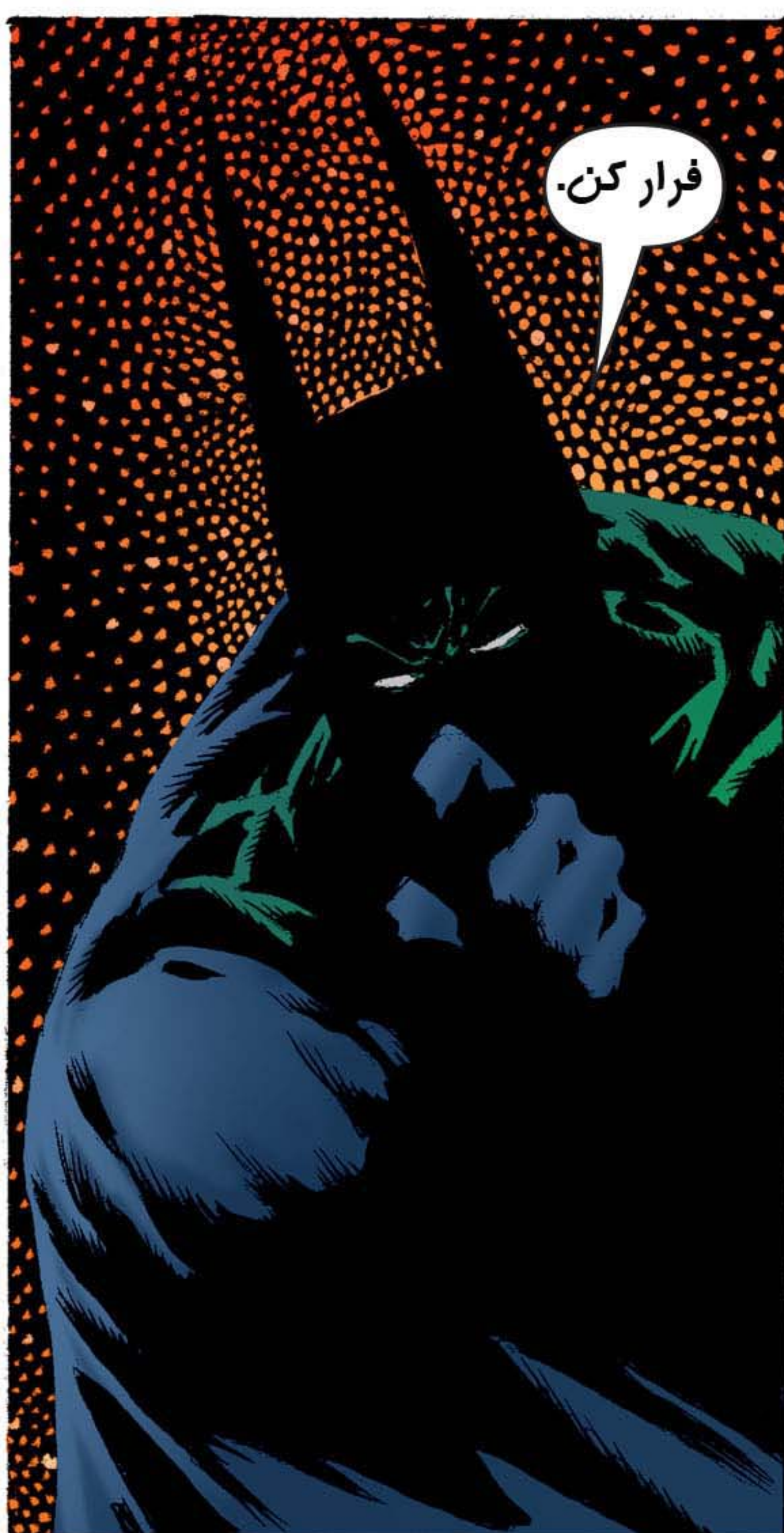
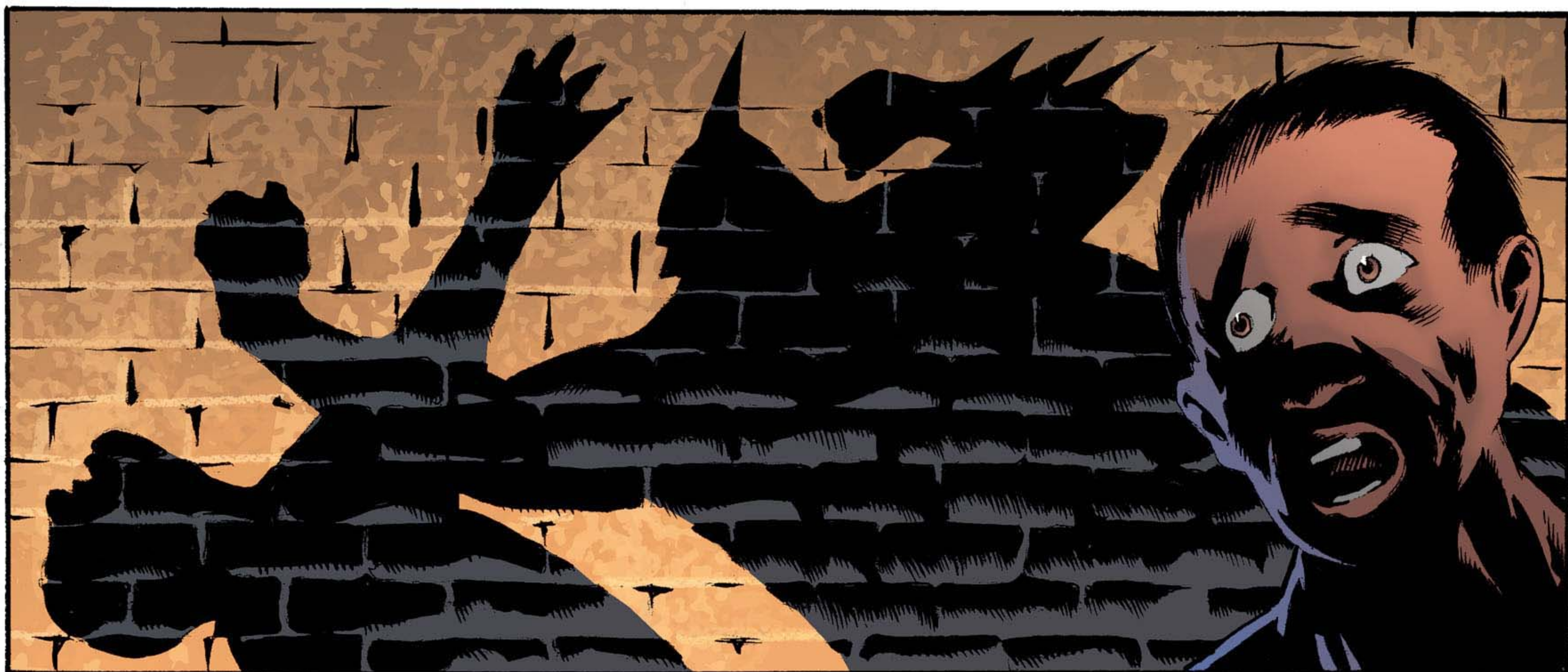
حالا. همونطور که گفتم
دارند محموله رو جابجا می کنند.
ما سریع وارد می شیم
و سخت ضربه می زنیم.
و ضاهدی رو زنده
نمی داریم.

بریم.



به نظرم
باید تجدید
نظر کنید.







کمیسر گردون؟

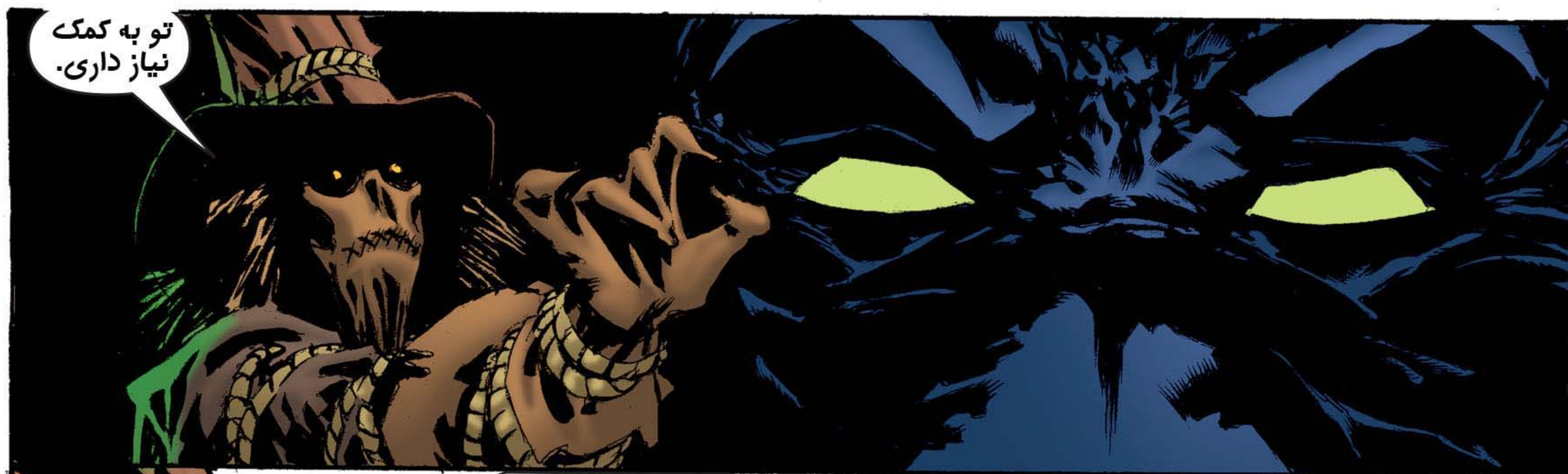
آلفرد؟

این
نمی تونه...

ری.

پدر؟

نه...
باید متوقفش
کنم...



تو به کمک
نیاز داری.

داری بیش از حد لزوم
پیچیده اش می کنی.

کاملاً ساده و سرراسته.
تو یه... بذار باهات صادق
باشم. تو مسائل حل نشده ای داری
مسائلی بزرگ.

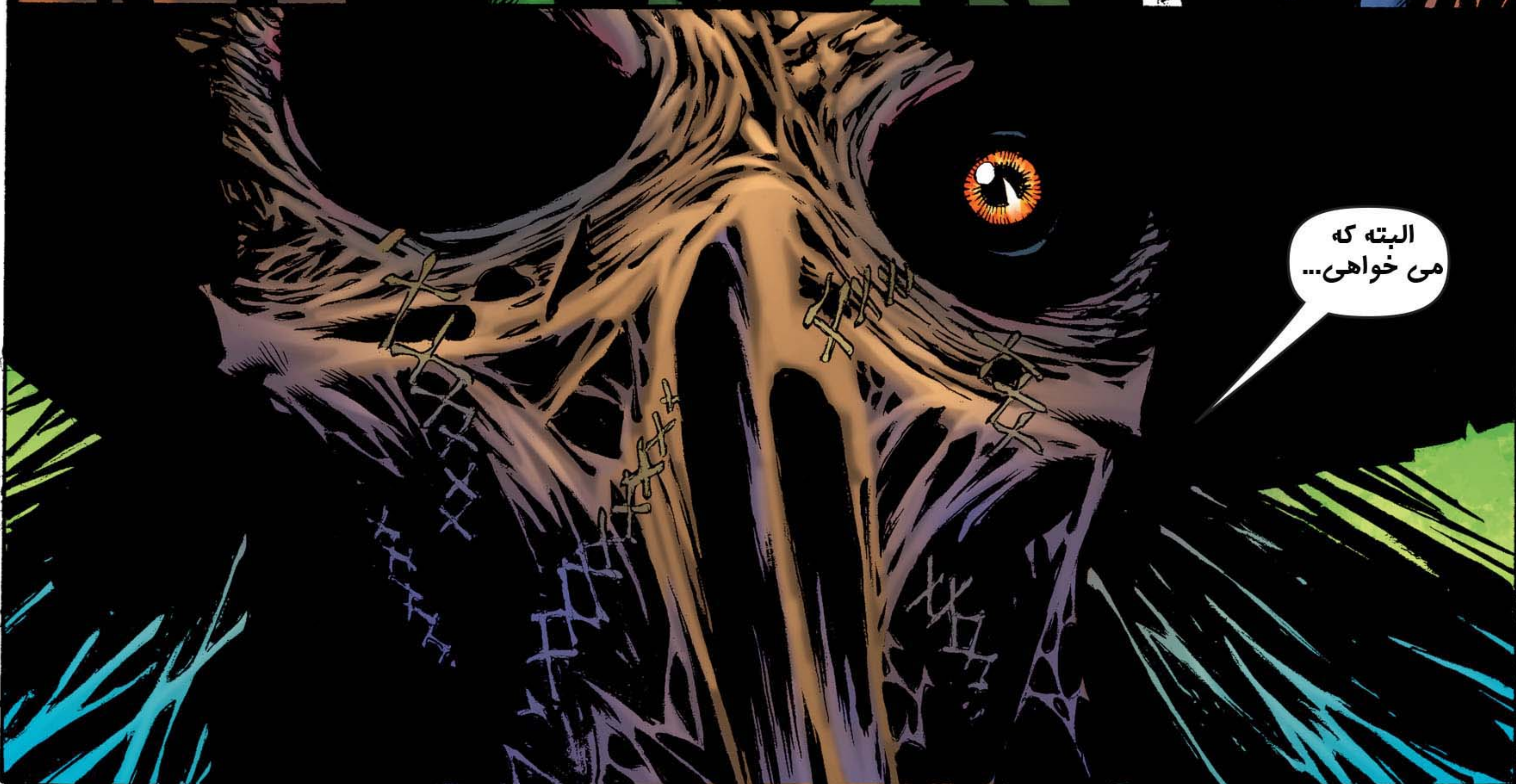
من...
تو...

تنها راهی که
برای حل اونها هست.
شروع در مانده. درمان
ویژه...

مگر اینکه
نخواهی بهتر
بشی؟



البته که
می خواهی...



بیا کارو
شروع کنیم.

قسمت
جدی
سقوط
آزاد